



نخستین سخنرانی امام در خاک ایران پس از پانزده سال تبعید

من از طبقه روحانیون که در این قضایای گذشته جانفشانی کردند، تحمل زحمت کردند، از طبقه دانشجویان که در این مسائل مصایب دیدند، از طبقه بازرگانان و کسبه که در زحمت واقع شدند، از جوانان بازار و دانشگاه و مدارس علمی که در این مسائل خون دادند، از اساتید دانشگاه، از دادگستری، قضات دادگستری، وکلای دادگستری، از همه طبقات، از کارمندان، از کارگران، از دهقانان، از همه طبقات ملت تشکر می‌کنم.

من از طبقه روحانیون که در این قضایای گذشته جانفشانی کردند، تحمل زحمت کردند، از طبقه دانشجویان که در این مسائل مصایب دیدند، از طبقه بازرگانان و کسبه که در زحمت واقع شدند، از جوانان بازار و دانشگاه و مدارس علمی که در این مسائل خون دادند، از اساتید دانشگاه، از دادگستری، قضات دادگستری، وکلای دادگستری، از همه طبقات، از کارمندان، از کارگران، از دهقانان، از همه طبقات ملت تشکر می‌کنم.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، این بخشی از نخستین سخنرانی امام (ره) در خاک ایران پس از پانزده سال تبعید است.

حضرت امام خمینی صبح روز 12 بهمن 57 بدو ورود به ایران در فرودگاه مهرآباد نخستین سخنان خود را پس از پانزده سال تبعید در خاک میهن بیان فرمودند. ایشان در این سخنان که در ازدحام انبوه مردم مشتاق ایراد شد، به بیان چگونگی جریان انقلاب اسلامی پرداختند.

پیش از بیانات امام خمینی، یک دانشجو ورود رهبر انقلاب را شادباش گفت. متن سخنان وی بقرار زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم. قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقا الا انّ حزب الله هم الغالبون. ای روح خدا و ای ابراهیم بت شکن اسلام. ای بنده پاک باز حق و ای جان عزیز ملت ایران اجازه می‌خواهم از جانب فرد ملت ایران بعرض برسانم که رواق منظر چشم من آشیانه توست. کرم نما و فرود آی که خانه خانه توست. ملت ایران چه چیزی از جان عزیزتر دارد که نثار مقدم فرخنده رهبر فداکار و روشن‌بینش نماید و چه ثنایی بالاتر از این سراغ دارد که او را بنده پاک باز حق بخواند. ای بنده پاک باز خدا، ای مسلمان محمدی، ای شیعه صادق، ای آیت خدا. ملت ایران در شخصیت شما و از تجربه زندگی شما بلاخص در پانزده سال اخیر زعامت امت که به شما سپرده شد مصداق عینی وعده خدا به رزمندگان و پویندگان راهش را مشهود می‌کند که «اگر به یاری خدا بشتابید به یاری شما می‌شتابد و شما را ثابت قدم نگه می‌دارد». «و هر کسی از آن خدا باشد، خدا از آن اوست». هجرت شما از وطن عزیز در 14 سال پیش تحت فشار و اجبار سمبل‌های استبداد و استعمار یادآور هجرت جد مکرمتان رسول خدا و یاران بزرگوار اوست که به گناه خواستاری جامعه توحیدی از شهر و دیار خود رانده شدند الذین اخرجوا من ديارهم بغير حق الي ان يقولوا ربنا الله و بازگشت امروزتان یادآور فتح مبین و عظیم مکه است که سمبل‌های زر و زور و بت‌های فلزی و گوشتی یکی پس از دیگری از مقر حکمرانی به زیر آورده شدند و حکومت خدایی جایگزین حکومت طاغوتی گردید. لقد صدق الله رسوله الرؤيا بالحق لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله آمین.

ملت ایران جان بر کف در انتظار فرمان، رهبر عظیم الشان خویش است و تا برقراری جامعه توحیدی، جامعه‌ای که در آن انسان از قید بندگی انسان آزاد باشد، بهره‌کشی انسان از انسان ملغی گردد، از ناهمواریها و نابرابری‌های مصنوعی اثر نماند، بت‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی یکسره سرنگون گردند، مساوات، برابری و برادری بمعنای واقعی کلمه برقرار شود، آثار استبداد دو هزار و پانصد ساله و استعمار چهار صد ساله محو گردد و در یک کلمه بندگی از آن خدا و حکومت، حکومت الهی باشد از پای نخواهد نشست.

جای چندین هزار شهید، شهدای 15 ساله اخیر که حرکت انقلاب مقدس اسلامی ما را با خون خود سرعت بخشیدند، خالی است، که بازگشت مظفرانه رهبر خود و شکوفه‌های به ثمر رسیده نهال انقلاب را به چشم خود ببینند. اگر امروز در میان ما نیستند ارواح پاکشان ناظر و شاهد خواهد بود.

السلام علیک و علی الارواح التي حلت بفنائک و رحمة الله و برکاته. برقرار باد جامعه توحیدی و جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی. (کوثر، ج3، ص 12 و 13)

سپس حضرت امام چنین آغاز کردند:

بسم الله الرحمن الرحيم

تشکر از همه طبقات

من از عواطف طبقات مختلف ملت تشکر می‌کنم. عواطف ملت ایران به دوش من بار گرانی است که نمی‌توانم جبران کنم. من از طبقه روحانیون که در این قضایای گذشته جانفشانی کردند، تحمل زحمت کردند، از طبقه دانشجویان که در این مسائل مصایب دیدند، از طبقه بازرگانان و کسبه که در زحمت واقع شدند، از جوانان بازار و دانشگاه و مدارس علمی که در این مسائل خون دادند، از اساتید دانشگاه، از دادگستری، قضات دادگستری، وکلای دادگستری، از همه طبقات، از کارمندان، از کارگران، از دهقانان، از همه طبقات ملت تشکر می‌کنم.

گام نخست پیروزی

آن زحمت‌های فوق العاده شماست که با وحدت کلمه پیروز شدید؛ البته در قدم اول، پیروزی شما ... الان در مرحله اول است و آن اینکه خائن اصلی را که محمدرضا نام دارد، از صحنه کنار زدید. گرچه گفته می‌شود که در خارج از کشور به دست و پا افتاده

است؛ و حالا که اربابها هم دست رد بر سینه او زده‌اند و او را راه نمی‌دهند، حالا متوسل شده به بعضی همجنسهای خودش، شاید بتواند باز راهی پیدا کند. و این یک خیال خامی است که بعد از پنجاه سال خیانت‌های این سلسله و بعد از سی و چند سال جنایات و خیانات این شخص خائن به این مملکت، که مملکت ما را به عقب راند، مملکت ما را- فرهنگش را فرهنگ استعماری کرد، زراعتش را به باد فنا داد، خزاینش را به باد فنا داد، مملکت را ویران کرد، و جُندی او و ارتش او را تابع ارتش غیر کرد، تابع مستشاران غیر کرد و اینها تأسفاتی است که ما داریم و ملت ما دارند، **بار دیگر بتواند به قدرت بازگردد.**

به امید پیروزی نهایی

ما پیروزی مان وقتی است که دست این اجانب از مملکتمان کوتاه شود و تمام ریشه‌های رژیم سلطنتی از این مرز و بوم بیرون برود و همه رانده بشوند. و این کارها و این چیزهایی که اخیراً واقع می‌شود و دست و پا می‌زنند عمال اجانب که یا شاه را برگردانند- یعنی شاه سابق- و یا رژیم دیگری و یا رژیم سلطنتی را حفظ کنند، این مطلب را باید بدانند که گذشته است مطلب؛ و این طور مسائلی که شما پیش می‌آورید دست و پایی بیش نیست. و اگر تسلیم ملت نشوید، ملت شما را به جای خودش می‌نشانند.

ما باید از همه طبقات ملت تشکر کنیم که این پیروزی تا اینجا به واسطه وحدت کلمه بوده است. وحدت کلمه مسلمین- همه، وحدت کلمه اقلیتهای مذهبی با مسلمین، وحدت دانشگاه و مدرسه علمی، وحدت طبقه روحانی و جناح سیاسی. باید همه این رمز را بفهمیم که وحدت کلمه رمز پیروزی است؛ و این رمز پیروزی را از دست ندهیم و- خدای نخواست- شیاطین بین صفوف شما تفرقه نیندازند. من از همه شما تشکر می‌کنم و از خدای تبارک و تعالی سلامت و عزت همه شما را طالب، و از خدای تبارک و تعالی قطع دست اجانب و ایادی بسته به آنها را خواهان هستم.